

Realistic Utopia in the novel *Madar-e Sefr Darajeh*

Elyas Ghaderi*, Mohammad Ahi**

Abstract

A realistic utopia is a utopia in which cognition has an empirical basis. In this utopia, unlike its other two types, i.e. divine and philosophical utopia, mankind, relying on empirical science and objective observation, wants a realistic utopia rather than an idealistic one. This type of realistic thought is the result of human failure to achieve two types of divine and philosophical utopia, which can be seen abundantly in recent decades and in contemporary literature. Ahmad Mahmoud is one of the authors who is looking for a way to achieve such a utopia throughout his works, especially in *Madar-e Sefr Darajeh*. In this study, an effort has been made to analyze and examine this type of utopia and its characteristics in *Madar-e Sefr Darajeh* with the descriptive-analytical method in order to determine what the most important characteristics of Mahmoud's realistic utopia are. Finally, it is concluded that the characteristics of Mahmoud's realistic utopia include various areas that can be divided and described under five general categories: 1. social, 2. economic, 3. security, 4. political, 5. cultural. It can also be concluded that Mahmoud's utopia is not an imaginary and illusory world, but mankind may achieve such a realistic utopia by applying empirical science and its sovereignty.

Keywords: Realistic Utopia"; "Madar-e Sefr Darajeh"; " Ahmad Mahmoud"; "..."

* Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Bu Ali Sina University, Iran, elyasghadery@yahoo.com

** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan. Iran (Corresponding Author), ahi200940@yahoo.com

Date received: 2022/08/01, Date of acceptance: 2022/11/14



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

آرمان شهر رئالیستی در رمان *مدار صفر درجه*

الیاس قادری*

محمد آهی**

چکیده

آرمان شهر رئالیستی آرمان شهری است که شناخت در آن مبنای تجربی دارد. در این آرمان شهر بر خلاف دو نوع دیگر آن یعنی آرمان شهر الهی و فلسفی، بشر با تکیه بر علم تجربی و مشاهده عینی، خواهان آرمان شهر واقع گرایانه است تا آرمان خواهانه. این نوع اندیشه واقع گرایانه حاصل شکست بشر از دست یابی به دو نوع آرمان شهر الهی و فلسفی است که در دهه های اخیر و در ادبیات معاصر به وفور دیده می شود. احمد محمود یکی از نویسندگانی است که در سراسر آثارش به ویژه در *مدار صفر درجه* به دنبال راهی برای دست یابی به چنین آرمان شهری است. در این پژوهش سعی وافر شده است تا با روش توصیفی - تحلیلی، این نوع آرمان شهر و ویژگی های آن در رمان *مدار صفر درجه* تحلیل و بررسی شود تا مشخص گردد که مهم ترین ویژگی های آرمان شهر رئالیستی محمود چیست. در نهایت چنین نتیجه داد که ویژگی های آرمان شهر رئالیستی محمود شامل حوزه های گوناگونی است که می توان آن ها را ذیل پنج عنوان کلی تقسیم بندی و تشریح کرد: ۱. اجتماعی ۲. اقتصادی ۳. امنیتی ۴. سیاسی ۵. فرهنگی. و چنین نتیجه گرفت که آرمان شهر محمود دنیایی وهمی و تخیلی نیست. بلکه بشر می تواند با بکارگیری علم تجربی و حاکمیت آن، به چنین آرمان شهر رئالیستی دست یابد.

* دانشجوی دکترا زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، ایران،
elyasghadery@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان،
همدان، ایران (نویسنده مسئول)، ahi200940@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: آرمان‌شهر رئالیستی؛ مدار صفر درجه؛ احمد محمود.

۱. مقدمه

آرمان‌شهر یک مقوله کهن‌الگویی در ناخودآگاه جمعی است به همین سبب انسان همواره در اندیشه یافتن دنیای آرمانی است و این تصور و تخیل به شکل‌های متفاوتی در زندگی او انعکاس یافته است. از حیث تحلیل محتوا، ادبیات آرمان‌شهری، نتیجه اشاره مستقیم و غیرمستقیم مطلوب‌گرایی نویسنده در نوشته‌اش است. «آرمان‌شهر، محصول تفکر انسان ناخرسند از وضعیت روزگار و در واقع تجلی آرزوی نویسنده است» (مطلبی و نادری، ۱۳۸۸: ۱۳۰) و همین تغییرات روزانه بشر و نارضایتی از زمان حال، موجب تلاش در جهت دست یافتن به جامعه آرمان‌شهر است. یکی از آرزوهای بشر، دست یافتن به جامعه‌ای است که در آن رستگاری خویش را محقق سازد. «اگر شاعر [و به طبع نویسنده یا هر فرد دیگری] از وضع موجود ناراضی باشد، ناخودآگاه در جست‌وجوی آرمان‌شهر خویش سوق داده می‌شود» (نعمتی، ۱۳۹۱: ۱۵۲؛ حیدری و زارع، ۱۳۹۲: ۷۱؛ کریمی مطهر و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

با ظهور عصر نوزایی انگاره آرمان‌شهرها رفته رفته حول محور انسان‌گرایی پدید آمد و از دنیای آرمانی به شیوه عصر مینوی (ر.ک. الیاده، ۱۳۸۲: ۵۹) فاصله گرفت که این مقوله، نیازمند نگاهی واقع‌گرا به آرمان‌شهرها بوده است. یکی از انواع آرمان‌شهرها که «آرمان‌شهر رئالیستی» خوانده می‌شود - و مورد نظر نگارندگان در این پژوهش است - در واقع عصیان و اعتراض انسان امروز به وضع موجود است. گرچه در نگاه اول ایده آرمان‌شهر واقع‌گرایانه با کنار هم قرار گرفتن دو مفهوم به ظاهر ناسازگار متناقض به نظر می‌رسد؛ اما به عقیده جان رالز (John Rawls) با توجه به تنوع آرمان‌شهرها به عنوان نوعی مدرن در پناه حاکمیت دادگستر محقق است. او ایده آرمان‌شهر واقع‌گرایانه را در چهارچوب جهانی بیان کرد و معتقد است مفهوم ذاتی این اصطلاح یک تعهد است (Anthony, 2017: 21). در ادبیات فارسی از ابتدا نگاه نویسندگان و شاعران به صورت ضمنی و تصریحی به مبحث آرمان‌شهر بوده که «این اندیشه را می‌توان حاصل پشتوانه فکری و خاستگاه اندیشه‌ای اساطیر، کهن‌الگوها، تاریخ ایران باستان، فلسفه یونان، مدینه فاضله فارابی و اندیشه مهدویت دانست» (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۴). از آنجا که سرشت انسان به گونه‌ای آرمان‌خواه

و کمال جوست؛ تجلی این آرمان‌خواهی در آثار او نمایان است. بنابراین «ویژگی‌های آرمان‌شهر را کم و بیش در همه شاهکارهای ادبی می‌توان مشاهده کرد» (کریمی و طاهری، ۱۳۹۷: ۵۱۵). در این میان «ادبیات داستانی که روایت زندگی آدمی در ساختار درهم تنیده نهادهای اجتماعی و شئون تمدن است، بالذات نمی‌تواند فارغ از عهد و آرمان باشد» (زرشناس، ۱۳۸۸: ۳۵۰). احمد محمود، یکی از نویسندگان توانای معاصر، همواره در آثارش دغدغه انسان و جامعه را دارد و در پی دستیابی به آرمان‌شهر ویژه خود است. چون ابزار اصلی و نبوغ نویسنده رئالیسم -همچون محمود- در تجربه، مشاهده و دیدن است و مشاهده یکی از ابزارهایی است که واقع‌گرایی بر آن استوار است؛ لذا این پژوهش با نگاه بر این رویکرد صورت گرفت. علاوه بر آن بسیاری از داستان‌های محمود و حوادث پیریزی شده در آن‌ها، ناشی از تجربه زندگی شخصی او و قابل عینیت بودن آن‌ها است. «او فقر، جنگ، زندان، تبعید، تبعیض، شکنجه، ظلم، فساد، استبداد، استعمار، استثمار و بسیاری از گرفتاری‌های داستان‌هایش را خود تجربه کرده است» (گلستان، ۱۳۸۳: ۷؛ قاسم زاده، ۱۳۸۳: ۲۴۱). از این رو مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که «آرمان‌شهر رئالیستی احمد محمود در رمان *مادر صفر درجه* چه ویژگی‌هایی دارد؟».

در حوزه نگرش آرمان‌شهری پژوهش‌های متنوعی انجام شده است؛ اما پژوهش حاضر از این جهت مهم است که برای اولین بار به ادبیات داستانی معاصر از زاویه آرمان‌شهر رئالیستی توجه شده است که نگاهی کاملاً تازه به یک موضوع است.

۱.۱ پیشینه پژوهش

احمد محمود در ردیف نویسندگان تراز اول ادبیات معاصر است. به همین سبب پژوهش‌گران علاقمند راجع به او و آثارش تحقیقات زیادی انجام داده‌اند که در اینجا به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود. این پژوهش شامل دو مقوله تحقیقی «آرمان‌شهر» و رمان *مادر صفر درجه* است. از آنجا که تا کنون راجع به مؤلفه نخست، پژوهش‌های زیادی به تنهایی یا مرتبط با آثار دیگر انجام شده از معرفی آن‌ها خوداری کرده و فقط به پژوهش‌هایی که راجع به رمان *مادر صفر درجه* هست، پرداخته می‌شود.

پویان (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان: «بررسی جایگاه زنان در داستان‌های کوتاه احمد محمود»، به بررسی جایگاه زنان در داستان‌های کوتاه محمود پرداخت و به این نتیجه رسید

که زنان در این داستان‌ها شخصیت‌هایی ایستا هستند. مشتری (۱۳۹۰)، در رساله‌ای با عنوان: «بررسی و تحلیل عنصر شخصیت در رمان «مدار صفر درجه» احمد محمود»، به ارائه شناختی از عنصر شخصیت در رمان *مدار صفر درجه* از جنبه‌های لحن، گفت‌وگو، زاویه دید و تحول شخصیت‌ها پرداخت. حدادی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان: «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان *مدار صفر درجه* برپایه الگوی تحلیلی گفتمان فرکلاف»، رمان *مدار صفر درجه* را براساس سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف بررسی کردند. رحیمی (۱۳۹۲)، در رساله‌ای با عنوان: «نقد جامعه شناختی رمان *مدار صفر درجه*»، به تحلیل اجتماعی رمان از دیدگاه جامعه شناختی جورج لوکاج و لوسین گلدمن پرداخت. کلوندی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی عناصر اقلیمی در آثار احمد محمود (*مدار صفر درجه*)»، بازتاب عناصر اقلیم جنوب (خوزستان) در رمان *مدار صفر درجه* را بررسی کرد. حجازی (۱۳۹۸)، در پژوهشی در قالب کتاب تحت عنوان *تحلیل سبک‌شناسانه رمان‌های برجسته با تکیه بر رمان‌های احمد محمود و محمدرضا بایرامی*، در پنج فصل به رشته تحریر درآورده است که فصل سوم به تجزیه و تحلیل سبک‌شناسانه برجسته‌ترین رمان‌های احمد محمود اختصاص یافته است. توکلی مقدم و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی و تحلیل زمان روایی در رمان *مدار صفر درجه*» براساس نظریه ژنت»، به بررسی عنصر زمان از دیدگاه ژرار ژنت پرداخته‌اند. به عقیده این پژوهش‌گران، نویسنده رمان با حذف بسیاری از زمان‌های تقویمی، حوادث مهم را به تصویر کشیده است. آنان سپس به کارکرد انواع بسامد در این رمان توجه کرده‌اند. پژوهش حاضر از نظر مبانی نظری، موضوع، هدف و روش تحقیق با پژوهش‌های صورت گرفته کاملاً متفاوت است.

۲. مبانی نظری

۱.۲ آرمان‌شهر رئالیستی (Realistic Utopia)

اصطلاح «یوتوپیا» - معادل آرمان‌شهر - برای اولین بار در سال ۱۵۱۶ میلادی از سوی «تامس مور» (Thomas More) (۱۵۳۵-۱۴۷۸م)، نویسنده انگلیسی، وارد ادبیات شده که در واقع نام یکی از اثرهای اوست. «ریشه واژه یوتوپیا از «topos» یونانی به معنای مکان است که نظریه پردازان با افزودن او (ou) نفی از آن مفهومی منفی به معنای «هیچستان» ساخته که کنایه‌ای

طنزآمیز از «eu-topos» «خوبستان» است» (مور، ۱۳۸۷: ۱۶). در فارسی به جای اصطلاحات یوتوپیا و «مدینه فاضله» از «آرمان‌شهر» استفاده می‌شود که از بر ساخته‌های داریوش آشوری در ترجمه کتاب *یوتوپیا* است. «در تاریخ فلسفه و ادب، از افلاطون به عنوان اولین فردی که به طور جدی به مسأله آرمان‌شهر پرداخته، یاد می‌شود» (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۸). او در کتاب *جمهورش* ویژگی‌های مدینه فاضله خود را مواردی همچون نیک‌بختی، سعادت، عدالت، توانگری و عاری از تنگ دستی همه مردم جامعه می‌داند (افلاطون، ۱۳۵۳: ۱۷۶-۱۷۹). در اندیشه ایرانی-اسلامی فارابی نخستین متفکری است که با تلفیق نظرات ایران باستان و فلاسفه یونان همچون افلاطون و ارسطو و آموزه‌های اسلامی، به تفصیل به تشریح مدینه فاضله پرداخت. او نخستین شرط انسان برای رسیدن به سعادت را تشکیل اجتماع و «حکمت» را رکن اساسی ریاست بر مدینه فاضله می‌داند. فارابی همچنین زیر بنای مدینه فاضله و سعادت آن جامعه را امور معنوی، عدالت خواهی، پرهیز از همه بدی‌ها به خصوص ظلم و تبعیت از رئیسی حکیم بیان کرد (فارابی، ۱۳۵۸: ۴۱-۵۳).

آنچه قابل ذکر است توجه به تعدد آرمان‌شهرها است. براساس مطالعات در آثار گذشتگان و متون حکمی، سه نوع آرمان‌شهر قابل ترسیم است. ۱) **آرمان‌شهر الهی** که توسط «صد و بیست و چهار هزار پیامبر در صد و چهار کتاب» (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۲/۱۱) آسمانی تدوین شده است؛ از جمله این آرمان‌شهر می‌توان به نگرش سیاسی اسلام اشاره کرد که ماهیتی دینی و آسمانی دارد و «نگاه به عصر مهدویت و تشکیل حکومت آرمانی در آن زمان، جلوه‌ای از این آرمان‌شهر محسوب می‌شود» (مطلبی و نادری، ۱۳۸۸: ۱۳۱). در قرآن کریم آمده: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ: و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کنند قطعاً (درهای) برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشاییم» (اعراف: ۹۶) که به نوعی اشاره به وعده الهی برای تحقق آرمان‌شهر است. ۲) **آرمان‌شهر فلسفی** که براساس اصالت عقل‌گرایی شکل گرفته و از نمونه‌های بارز آن کتاب *جمهوری* افلاطون است. ۳) **آرمان‌شهر رئالیستی** براساس علم تجربی و بر محور واقعیت‌ها شکل می‌گیرد. آرمان در این شهر یک آرمان علمی و واقعی است نه وهمی و خیالی، که بنیان آن بر پایه علم تجربه‌گرایی است و در واقع نوع مدرن آرمان‌شهر محسوب می‌شود. دو نوع اخیر ماهیتی زمینی دارد که برگرفته از تجربه، خرد و تعقل فلسفی است و بیشتر در غرب رایج است. سبب این اشکال و تعدد در

ماهیت آرمان شهرها، وجود تنوع عنصر فرهنگی و مذهبی است که به صورت دقیق، یک آرمان شهر مشابه در ذهنیت همه وجود ندارد. در این میان آرمان شهر مورد نظر نگارندگان از نوع رئالیستی است که ابتدا به شرحی از رئالیسم پرداخته می شود. واژه «رئالیسم» در اصل نوعی اندیشه فلسفی بود که شیء و موضوع خارج از ذهن را مورد بررسی قرار می داد و از آنجا وارد حوزه ادبیات شد (لاج و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵؛ گرانت، ۱۳۸۷: ۱۵ و ۴۶؛ ثروت، ۱۳۸۵: ۱۱۳). از نظر واژگان «رئالیسم از ریشه لغت رس (res) به معنی چیز است و رئالیسم یعنی چیزگرایی یا شیئیت» (ثروت، ۱۳۸۵: ۹۷). از حیث ادبی این اصطلاح عمدتاً با مکتب رئالیست های فرانسوی تداعی می شود و در معنای عام به هرگونه هنر و ادبیات وفادار به واقعیت اطلاق می شود. اما در معنای خاص، «مکتبی است که بعد از رمانتیسم با خروج ادبیات اروپا از سنت های رمانس، در اواسط قرن نوزدهم حدود سال های ۱۸۳۰ در فرانسه به وجود آمد» (Zarnigor, 2019: 190). در حوزه مکاتب ادبی، مکتب واقع گرایی برخلاف مکتب های دیگری مانند کلاسیک و رمانتیک که به گذشته روی می آوردند و از اجتماع کنونی خود غافل بودند، «جنبه های آشنا و معمولی زندگی را در واقعیت آن ها به نمایش می گذارد و وقایع را در متن تاریخی آن ها مورد مطالعه قرار می دهد» (میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۷۷: ۲۸۵). آنان همچنین به مسائل عمومی اکثریت مردم پرداخته و بیشتر به زندگی طبقات متوسط، محروم و زحمتکش توجه دارند (Ambrams, 1988: 153-154). از بارزترین نمایندگان واقع گرا می توان بالزاک، چارلز دیکنز، گوگول و تولستوی را نام برد که به ترسیم زندگی مردم فرودست جامعه توجه داشتند (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ج ۱/۲۹۱ و ۲۹۹؛ پرهام، ۱۳۵۳: ۶۵-۸۰؛ لوکاج، ۱۳۷۳: ۱۵؛ زرشناس، ۱۳۸۹: ج ۲/۸۳). با این مقدمه، هدف انگاره آرمان شهر رئالیستی - همچون مکتب واقع گرا- این است که انسان را به عنوان موجودی اجتماعی توصیف کند. همچنین در انتخاب وقایع و پدیده ها، خصوصیت های کامل و بنیادی آن ها را مورد بررسی قرار داده و از مسائل استثنایی و واقعیت های نادر و غیر عادی بپرهیزد. لوکاج ویژگی های یک نویسنده رئالیست را این گونه معرفی می کند: «یافتن راه عملی برای حل مشکلات مردم و ابراز عشق به آنان، نفرت عمیق او از دشمنان خلق، بیان اشتباهات مردم در آشکار ساختن حقیقت و داشتن ایمانی بی تردید در پیشروی بشریت و مردم سرزمینش به سوی آینده بهتر» (۱۳۷۳: ۲۳). با تعمق در این ویژگی ها می توان همین موارد را هم از اصول نویسندگان آرمان شهر گرای رئالیستی دانست. به همین سبب است

آرمان‌شهر رئالیستی در رمان *مدار صفر* درجه ... (الیاس قادری و محمد آهی) ۹

برخی صاحب‌نظران «مکتب رئالیسم را به ایده‌آلیسم و آرمان‌شهر نزدیک می‌دانند» (گران‌ت، ۱۳۸۷: ۹۴).

با بررسی انواع رئالیسم، می‌توان محور اصلی آرمان‌شهر رئالیستی را واقع‌گرایی اجتماعی (Socialist Realism) دانست. رئالیسم سوسیالیستی مکتبی است که در سال ۱۹۳۴ مبنای تمام ادبیات روسیه شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی قرار گرفت. «در این مکتب ادبی، هنر در خدمت نوسازی جامعه سوسیالیستی قرار می‌گیرد و بیشتر از آنکه به فرد توجه داشته باشد؛ به تجلیل از کار و کارهای گروهی روی می‌آورد» (میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۷۷: ۲۸۷؛ زرشناس، ۱۳۸۹: ج ۶۹/۲). مختصر اینکه این شاخه بر سه اصل «گرایش‌های سیاسی و حزبی، دیدگاه‌های ایدئولوژیک و دیدگاه مردم‌گرایانه» استوار است (حاجی آقابابایی و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۲).

۲.۲ خلاصه رمان *مدار صفر* درجه

«مدار صفر درجه» رمانی سه جلدی است که در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسید. رمان دارای سبک رئالیسم اجتماعی و روایت‌گر وقایع قبل از انقلاب اسلامی است که از لحاظ محدوده زمانی، به صورت مستقیم هفت سال یعنی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ را در برمی‌گیرد ولی به صورت غیرمستقیم در بردارنده حوادث سال‌های ۱۳۳۲ به بعد شهر اهواز هم است. شخصیت اصلی این کتاب «باران» -نوجوانی شانزده ساله- است که پس از مرگ پدر و برادرش درس و مدرسه را رها می‌کند و در پی کسب روزی، راهی بازار کار می‌شود. او پس از مشغول شدن در یک مغازه سلمانی با شخصیت‌های مختلفی آشنا می‌شود سپس رفته رفته با آگاهی بیشتر به سمت سیاست و مخالفت با نظام حاکم شاهنشاهی برمی‌خیزد و از طریق دوستان و اطرافیان به فعالیت سیاسی می‌پردازد. در این میان دوبار توسط ساواک دستگیر و راهی زندان می‌شود اما در بحبوحه انقلاب از زندان فرار می‌کند و به انقلابیون می‌پیوندد.

۳.۲ احمد محمود و آرمان شهر رئالیستی

حوزه ادبیات اقلیمی، شاخه‌ای از ادبیات معاصر است که کاربرد آن بیشتر در حوزه داستان است و به مجموعه آثار ادبی اطلاق می‌شود که نمایانگر فرهنگ، باورها، آداب و رسوم مردم و ویژگی‌های محیط طبیعی و بومی یک اقلیم خاص است. در این میان «مهم‌ترین دستاورد ادبیات اقلیمی حاصل تلاش‌های نویسندگان جنوب است» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ج ۲ / ۵۶۱). مکتب [داستان نویسی] خوزستان^۱ برجسته‌ترین شاخه ادبیات اقلیم جنوب محسوب می‌شود که با توجه به موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و تنوع قومیت‌های مختلف جایگاه خاصی در ادبیات معاصر یافته است. «این مکتب مکتبی برون‌گرا و بر مدار عینیت می‌چرخد. واقعیت را می‌بیند و سعی می‌کند نشان دهد» (سپانلو، ۱۳۷۷: ۲۲). یکی از ویژگی‌های ممتاز داستان‌های سبک جنوب - بویژه مکتب خوزستان - توجه به مسائل آرمان‌شهری است. «بسامد توجه به جامعه آرمان‌شهری در ادبیات جنوب بیش از هر اقلیم دیگری است» (شیری، ۱۳۸۷: ۲۱۱). سبک احمد محمود از بین انواع رئالیسم به رئالیسم سوسیالیستی نزدیک‌تر است. چراکه این شاخه ظرفیت بهتری برای بیان آرمان‌شهر دارد. «در رئالیسم سوسیالیستی، واقعیتی که عرضه می‌شود، در جهت آرمان‌سیاسی و پی‌ریزی جامعه‌ای سوسیالیستی و بی‌طبقه است. از این رو بسیار به مرز ایده‌آلیسم و آرمان‌گرایی نزدیک است» (خاتمی و تقوی، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۷؛ ر.ک. گران، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۴). در حالت روستا، احمد محمود ابتدا تصویری از ویران‌شهر خود را به نمایش می‌گذارد ولی در پس آن، هدفی جز شکل‌گیری شهری آرمانی ندارد. محمود در واقع فریاد مردم ستم‌دیده اقلیم خوزستان است (ر.ک. دستغیب: ۱۳۷۸: ۲۰-۲۱).

به لحاظ چگونگی شکل‌گیری آرمان‌شهرها عقیده بر این است که در جوامع، اندیشه آرمان‌شهری، بیشتر در دوران خیزش‌های انقلابی یا در تحولات تکان‌دهنده سیاسی و اجتماعی نمایان شده است. «کتاب جمهوری افلاطون بر اثر شکست آتن در جنگ‌های پلوپونز و نبردهای بی‌امان طبقاتی آتنی‌ها، بویژه محاکمه و اعدام سقراط نوشته شده است» (حجازی و قطبی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۵۷۴). همچنین آرمان‌شهرها بیشتر خاص جوامعی هستند که مورد کانون توجه و در حال تغییر شکل و حکومت هستند (Davidson, 2020: 1070). همان‌گونه که احمد محمود در *رمان ملأ صفر* درجه با به تصویر کشیدن شرحی از رخدادها قبل از انقلاب تا بعد از آن سعی در انتقاد از جامعه داشته و این رخدادها او را به

سمت‌وسوی آرمان‌شهر رئالیستی سوق داد. دیگر اینکه «آرمان‌شهرها به طور اتفاقی به وجود نمی‌آید، بلکه در محیط‌های روشنفکری ناشی از نخستین تکان‌های نوگرایی پدید می‌آید» (روویون، ۱۳۸۵: ۳۵). در اقلیم خوزستان با کشف صنعت نفت و ورود غربی‌ها به آنجا، به یک باره نگرش بومیان منطقه به جهان هستی و زندگی تغییر کرد و نوعی روشن‌گری در آن‌ها بوجود آمد. در مقام قیاس، آرمان‌شهر محمود چیزی شبیه آرمان‌شهر افلاطون است؛ چرا که امکان تحقق آن وجود دارد. داستان‌های اجتماعی و رئالیستی احمد محمود، داستان‌هایی است که به صورت انتقادی، اوضاع نابهنجار و نابسامانی‌های جامعه را به تصویر کشیده است. در واقع هدف نویسنده از بیان این گونه آشفته‌گی‌ها، انگشت نهادن بر جنبه‌های زشت و ناپسند است که مسیر زندگی را برای رسیدن به جامعه آرمانی ناممکن می‌سازد. «این داستان‌ها بر نفوذ جامعه و اوضاع اقتصادی شخصیت‌ها و وقایع داستان تأکید می‌ورزند و تأثیر اقتصاد و موقعیت اجتماعی را بر رفتار و سلوک انسان در زمان و مکان معین مورد ارزیابی قرار می‌دهند» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۴۹۸). یکی از تفاوت‌های رئالیسم با مکاتب دیگر این است که «اساساً عصر رئالیسم، یک عصر انتقادی است» (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ج ۱/۱۱۲). عصری است که آگاهی و اندیشه، نیروی ذهنی و تخیلی را به چالش می‌کشد. از این روی رئالیسم برای محمود عصری است که با سلاح اندیشه و قلم به مقابله با نابرابری‌های زمانه برمی‌خیزد. «محمود بیش از تاریخ دارد و از رویدادهایی سخن می‌گوید که مردم ما در آن دوره با آن سروکار داشته‌اند» (دستغیب، ۱۳۷۳: ۴۰) و در این میان، رمان *مدار صفر* درجه «حرکت و تلاش و روحیه اشخاص را در متن تحولات اجتماعی به پیش‌نما می‌آورد» (همان: ۴۴).

۳. بحث و بررسی

۱.۳ بررسی مؤلفه‌های آرمان‌شهر رئالیستی محمود در رمان *مدار صفر* درجه

در این پژوهش، مؤلفه‌های آرمان‌شهر رئالیستی محمود در رمان *مدار صفر* درجه در پنج دسته طبقه‌بندی و مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۱.۱.۳ اجتماعی

۱.۱.۱.۳ عدم نظام طبقاتی

در این بخش، محمود به مسأله عینی تضاد طبقاتی توجه دارد و خواستار جامعه‌ای هم‌سطح و برابر است. چرا که فاصله طبقاتی در جامعه، نظام آرمان‌شهر رئالیستی او را با چالش مواجه می‌کند. در *مادر صفر* درجه نظام طبقاتی بین خانواده‌ها و مردم شهر به وفور دیده می‌شود. به نحوی که شهر اهواز به دو قطب غنی و فقیر قابل تقسیم است. مثلاً سطح بالای خانواده مهندس دلاور و برادرش دکتر داور و سروان رستمعلی با سطح پایین خانواده کل بشیر، باران و کل فیروز قابل توجه است (محمود، ۱۳۷۶: ۱۳۲۵-۱۳۲۶). خانواده‌های این جامعه یا بسیار غنی‌اند یا به نان شب محتاج هستند.

۲.۱.۱.۳ مساوات

در بین افراد جامعه *مادر صفر* درجه عنصر منفی تبعیض شدت دیده می‌شود و محمود آن را عنصری در جهت اختلال در آرمان‌شهر رئالیستی خود می‌داند. به گونه‌ای که تبعیض هم میان طبقات اجتماع وجود دارد و هم در جنسیت افراد مشهود است. به کار گماردن افراد غیر بومی و کنار گذاشتن بومیان منطقه خوزستان از کار و مسئولیت، نوعی تبعیض در سپردن کار و سمّت است تا سبب شد جوانان اهواز آنان را باعث فلاکت خود ببینند و دست به ترور آنان بزنند (همان: ۳۵۷). فخرفرشی طبقات بالای جامعه به طبقات عامه، مانند برخورد کتابیون دختر مهندس دلاور با قصاب (همان: ۹۹۷)؛ تضاد طبقاتی بین شهرنشینان و روستانشینان و نگاه تحقیرآمیز به روستانشینان (همان: ۸۲۷ و ۱۱۱۳).

از جمله عوامل دیگر مورد نظر محمود در این مؤلفه توجه به مسأله تبعیض جنسیت افراد بویژه جنسیت فرزندان است؛ مانند نوع نگاه و توجه یارولی به پسرش شاولی و دخترش تماشا (همان: ۱۰۱۲). در جایی از رمان آمده: «شهر روز گفت: «حالا حتمی پسره که اسمش...» نوذر گردن راست کرد: «تو طایفه ما دختر، عیب...» (همان: ۱۵۴۷). جایگاه ضعیف زن و نگاه تبعیض‌آمیز به او در رمان از دیگر عوامل ضد آرمان‌شهری است؛ مانند برخورد نوذر با بلقیس که همراه بردن او با خود به سینما را عار می‌دانست (همان: ۵۱۸). یا برخورد دیگرش با بلقیس که مدام به او سرکوفت می‌زد که زن عقلش ناقص است. یا

آرمان‌شهر رئالیستی در رمان *مادر صفر* درجه ... (الیاس قادری و محمد آهی) ۱۳

اصرار برای زائیدن فرزند پسر. «بلقیس یکهو برگشت- تو اصلاً مون آدم حساب نمکنی، اصلاً...» (همان: ۱۵۳۸).

۳.۱.۱.۳ رعایت حقوق اجتماعی زنان

زن نه تنها در رمان *مادر صفر* درجه جایگاه ضعیفی دارد بلکه در دیگر آثار احمد محمود هم جایگاه در خور توجهی ندارد (آقائی، ۱۳۸۳: ۳۳۶؛ احمدی و دارابی، ۱۳۹۸: ۳۲۷-۳۲۸). محمود خود جایگاه ضعیف زن در آثارش را مرد سالاری جامعه می داند (گلستان، ۱۳۸۳: ۶۰). این نگرش به جنس زن، جامعه را از دست یافتن به آرمان‌شهر رئالیستی به مشکل مواجه می کند و محمود به این مسأله پی برده است. جامعه زمانی برای او قابل پذیرش است که زن از عوامل ضد فمینیستی همچون ساده لوح، زودباور، ترسو و سستی بودن - که در رمان به آن‌ها اشاره شد - به دور باشد. نگاه به زن به عنوان فردی که باید تمام کارهای خانه را انجام دهد و حق اعتراض هم ندارد؛ مانند صدا زدن های دم به دم بلقیس توسط نوذر برای انجام امور (محمود، ۱۳۷۶: ۱۱۹۶-۱۱۹۷)؛ برخورد نامناسب خانواده کل فیروز با دخترشان آراسته (همان: ۱۲۸۱ و ۱۴۹۶)؛ برخورد سرزنش کننده اسعد با خواهرش روبخیر که مانند کلفتی در خدمت اوست (همان: ۳۱۱ و ۱۲۲۸)؛ کتک خوردن های بی سبب و مداوم رئیسه از پدرش (همان: ۶۵۵)؛ رفتار تحقیرآمیز یارولی با همسرش حوری و همچنین دخترانش ماه منیر و تماشا (همان: ۱۰۱۲ و ۱۴۴۹)؛ رفتار ناشایست مبارک با همسرش که آن‌ها را در فقر مطلق نگه داشته و تمام توجهش به امر سیاست روز بود (همان: ۹۱۹-۹۱۶)؛ بی حرمتی های رستم علی به زنان کارگر در کارخانه نساجی (همان: ۶۹۹)؛ برخورد ناشایست اسدموتوی با همسرش ماه منیر (همان: ۱۳۷۷). براساس همین شواهد است که منتقدی معتقد است، در حوزه ادبیات داستانی جنوب، از نظر مظلومیت، صبورانه ترین و ترحم انگیزترین حالت‌ها از زنان و مادران در آثار محمود به نمایش درآمده است (شیری، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

۴.۱.۱.۳ سلامت اجتماعی

سلامت جسمی و روحی اجتماع، جامعه محمود را یک گام به آرمان‌شهر رئالیستی اش نزدیک تر می کند. محمود این مقوله را در رمان به صورت مشهود نشان داده است. بچه دار نشدن نوذر و نازایی همسرش بلقیس نوعی مقوله ضد آرمان‌شهری است که نوذر را بشدت

ناراحت می‌کرد (محمود، ۱۳۷۶: ۳۳۶-۳۳۷)؛ بیماری لغوه کل بشیر (همان: ۷۶۳)؛ بیماری ملاشکیبوس (همان: ۱۰۱۷)؛ همچنین اعتیاد را نیز می‌توان نوعی بیماری قلمداد کرد؛ مانند اعتیاد یارولی، برزو، عطا، دکتر ناگس، کندرو، مهرباب، اسدموتوی، احمد رُطیل و... (همان: ۱۱۴۰ و ۱۱۸۶)؛ یا اعتیاد نوذر به نوشیدن روزانه مشروبات الکلی (همان: ۱۶۴۱). همه این موارد سلامت جامعه و آرمان‌شهر را به خطر می‌اندازد.

۵.۱.۱.۳ عدم فساد

فساد رفتاری قابل مشاهده است که محمود با تأکید بر آن، آن را ضد آرمان‌شهر خود می‌داند. او خواهان اجتماعی سالم و بری از هرگونه فساد و فاسد است. این مؤلفه در میان افراد به شیوه‌های مختلف دیده می‌شود که سبب آن فقر و بیکاری است. یکی از عوامل فساد دزدی است؛ مانند دزدیده شدن کیف نوذر در بازار (همان: ۱۴۷)؛ دزدی‌های برزو از خانواده خود و خانه مهندس دلور (همان: ۶۲-۶۳ و ۶۲۵ و ۱۱۷۴)؛ دزدیده شدن دوچرخه اوس مبارک و رضا بنا (همان: ۱۱۸۹ و ۱۶۶۴)؛ سرقت اموال مردم در اوایل انقلاب (همان: ۱۷۴۰)؛ سوء استفاده از احساسات انقلابیون و اخاذی کردن از آن‌ها، مانند برخورد برزو و ممل تارزان با مردم (همان: ۱۷۷۷)؛ فساد در نیروهای انتظامی و امنیتی و همکاری با فاسدان اجتماعی (همان: ۱۵۵-۱۵۶ و ۳۹۴)؛ بی‌نظمی و عدم امنیت در جامعه، مانند حمله به مردم و غارت مغازه‌ها (همان: ۹۱-۹۲)؛ فساد اخلاقی در بین جوانان (همان: ۳۸۸-۳۹۱)؛ قاچاق، فروش و مصرف مواد مخدر توسط افرادی مانند رزاق، جواد ساق‌بلند و یارولی و همکاری مسئولان و نیروی انتظامی با آنان (همان: ۵۵۸ و ۷۴۰)؛ فساد در دربار شاه از طریق قماربازی و رشوه دادن سرمایه‌داران به افراد سلطنتی، مانند توافق مهندس دلور با اشرف پهلوی (همان: ۵۵۹ و ۱۱۷۵)؛ فساد اخلاقی، مانند رفتار سروان رستمعلی با دختران و زنان در کارخانه نساجی (همان: ۶۷۷)؛ پارتی‌بازی (همان: ۱۱۶۶ و ۱۳۷۴). خانواده‌های غنی شهر اهواز برای پیش بردن کارهای خود اقدام به پارتی‌بازی می‌کردند؛ مانند جریان تصادف زینت خانم - همسر مهندس دلور - که یک نفر را کشت و سروان رستمعلی را به جای خود به زندان فرستاد (همان: ۸۶۸)؛ رشوه‌خواری (همان: ۷۵۷)؛ پیشنهاد رشوه و اخاذی پاسبان از باران بخاطر کار کنار شط کارون (همان: ۲۰۶-۲۱۳)؛ درخواست رشوه کارمند مخابرات از یارولی (همان: ۹۰۴)؛ دریافت رشوه از مردم توسط نیروهای امنیتی (همان:

آرمان‌شهر رئالیستی در رمان *مدر صفر درجه* ... (الیاس قادری و محمد آهی) ۱۵

۱۵۰۸؛ جاسوسی، مانند خبرچینی یارولی برای ساواک (همان: ۱۲۱۵)؛ فرصت طلبی و کلاهبرداری، مانند رفتار شهروز با شرکا (همان: ۱۲۹۳)؛ خیانت، مانند خیانت یارولی به همسرش (همان: ۱۲۱۸-۱۲۱۹).

۲.۱.۳ اقتصادی

۱.۲.۱.۳ رفاه نسبی

محمود خواستار جامعه‌ای با رفاه نسبی و به دور از تنگ‌دستی است. او خود طعم فقر را چشیده و با انعکاس در آثارش، آن را از عوامل مخمل آرمان‌شهر رئالیستی خود می‌داند. فقر مالی، مانند مرگ بابو در کارون توسط کوسه‌ها که برای گذران زندگی به ماهی‌گیری رفته بود (همان: ۹-۱۱)؛ رها کردن درس و مدرسه باران به امید کارکردن (همان: ۱۶)؛ جدال اعضای خانواده نوروژ برای تقسیم سهم خانه که ناشی از فقر و تنگ‌دستی بود (همان: ۳۴-۳۵)؛ فقر اقتصادی سبب شد تا دختران خانواده کل بشیر بخاطر اجاره کردن یک اتاق از برزو مجبور به کار در کارخانه شوند و ظلم کارخانه‌دار را تحمل کنند. همچنین خود کل بشیر با وجود بیماری که داشت مجبور به سیگاری فروشی شود (همان: ۶۶-۶۷)؛ بیکاری و فقر برهان را - با وجود داشتن مدرک دیپلم - به سمت ترور مسئولان شهر سوق داد و بعد از آن آواره کویت شد (همان: ۲۱۵)؛ بیکاری رزاق سبب شد تا به کار قاجاق کشانده شود (همان: ۲۵۵)؛ بیکاری و فقر یارولی را مجبور کرد تا مخبر ساواک شود (همان: همانجا). فقر در این دیالوگ داستان به خوبی دیده می‌شود «... بخونش یارولی. به ناسلامتی مسلمانیم، تکلیف داریم - از قم نومه. صدای یارولی افتاد - «چی میگی سی خودت کاکاجان. صبح تا شب یققد گرفتار یه لقمه نانیم که دیگه فرصتی نمی‌مانه تا ببینم مسلمانم یا کافر!» (همان: ۹۶۲).

۲.۲.۱.۳ بهره‌مندی از منابع طبیعی

محمود با مشاهده منابع عظیم نفت و گاز خوزستان توقع دارد این نعمت‌های خدادادی سبب رونق آنجا شود و در سایه این منابع آرمان‌شهر رئالیستی‌اش محقق گردد. «در داستان‌های محمود عوامل طبیعی، سازنده فضای داستان هستند و بدون توجه به این عناصر درک محیط داستان دشوار می‌شود» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ج ۲/۵۶۶). نفت و گاز اگرچه

سرمایه‌ای است که همواره ناجی چندین ساله کشور است اما آنچه از این منابع نصیب اقلیم خوزستان شد بوی ناخوشایند آن و جنگ و خونریزی‌های حاصل از توجه به آن است که به زیبایی در آثار محمود انعکاس یافته است. «صدای نوذر آمد - کجا رفتی بلقیس؟ علائدین روشن کن» بلقیس شیربرنج را داد به خاور و برگشت تو ایوان - «همش بلدی دستور بدی؟ خو نفت نداریم!»... صدای نوذر از تو دلان آمد - «نفت کجا پیدا میشه!» آمد تو «سه تا شعبه رفتم...» (محمود، ۱۳۷۶: ۱۳۱۸-۱۳۲۰). در جای دیگر رمان آمده، «شیشه‌بر گفت: «حال و روزگار سگ بهتر از حال ما بدبختاس!» و دست‌ها را گرفت روی علائدین - «ننه بچه‌ها از عدل ظهر تا نصف شب تو صف بوده بیست لیتر نفت گیرش ئومده!» (همان: ۱۶۰۶). که این موارد نشان دهنده فقر مردم و بی‌تأثیر بودن منابع نفتی خوزستان در زندگی آنان است.

۳.۲.۱.۳ حاکمیت مدرنیته

در جای جای داستان تقابل سنت و مدرنیته مشاهده می‌شود که خود از عوامل ضد آرمان‌شهری است. اما محمود در اندیشه جامعه‌ای یکپارچه و هم‌صداست. او سال‌ها تجربه دیدن انواع تقابل مختلف در خوزستان را به درستی در آثارش نشان داده است. می‌توان درگیری احزاب سلطنت طلب با طرفداران مصدق را جز این نوع تقابل دانست. به طوری که سلطنت طلبان، گروه سستی و طرفداران مصدق مدرنیته محسوب می‌شوند. سرانجام این تقابل منجر به کشته شدن طرفداران مصدق از جمله فاروق و نوروز شد (همان: ۱۷۴-۱۷۸). تضاد در رفتار شخصیت‌ها، مانند نوذر که به سبک امروزی‌ها شراب‌خواری را از ویژگی مُد روز می‌داند و در مقابل شخصیت بی‌بی سلطنت و کل فیروز که به عبادت می‌پردازند، به دیده رفتاری سستی قلمداد می‌کند (همان: ۱۸۶-۱۸۷). جای‌گزینی بانک به جای خانه صمد صراف، اشاره به یک مرحله گذار از سیستم اقتصاد سستی به اقتصاد مدرنیته است. همچنین مصادره روستاها و زمین‌های کشاورزان توسط شرکت کشت و صنعت به جای کشاورزی سستی تقابل دیگر سنت و مدرنیته است (آقائی، ۱۳۸۳: ۳۱۵؛ شبیری، ۱۳۸۷: ۱۷۴).

۳.۱.۳ امنیت

۱.۳.۱.۳ عدالت

بارزترین مؤلفه مورد نظر محمود برای دست‌یابی به آرمان‌شهر رئالیستی عدالت است. او عنصر ظلم را مشاهده کرده و بشدت از آن بیزار است. چراکه می‌داند ظلم مانع تحقق جامعه‌ای عدالت‌محور است. سیاست [به تبع آن مبارزه، اعتراض، زندان، تبعید و ظلم...] بدیهی‌ترین امتیازی هست که ادبیات جنوب [بویژه احمد محمود] از آن برخوردار است (شیری، ۱۳۸۷: ۲۰۴). ظلم در این توضیح در دو دسته قابل بررسی است: یکی ظلم حکومت به مردم و دیگری ظلم مردم به یکدیگر، مانند ظلم یارولی در حق شاگردش باران و ندادن مزد او (محمود: ۱۳۷۶: ۳۹ و ۱۳۱ و ۱۰۷۲-۱۰۷۳)؛ ظلم حکومت به مردم که باعث سرگردان شدن برخی از آن‌ها در کشورهای همسایه شد؛ مانند فراری شدن نوروژ به کویت (همان: ۲۶۹)؛ زورگویی نیروهای امنیتی و انتظامی به مردم (همان: ۶۹۰)؛ ندادن حقوق کارگران شهرداری (همان: ۶۹۱)؛ بی‌حرمتی و تحقیر یکدیگر، مانند برخورد یارولی با اسعد (همان: ۸۱۴)؛ ستم به جنس زن بویژه تنبیه هر روزه رئیس‌ه توسط پدرش ابوالحسن گمرکچی (همان: ۸۴۸)؛ زورگویی برزو با بقیه اعضای خانواده بخاطر مسائل مالی (همان: ۹۲۵-۹۲۶)؛ حمله به کارگران افغانی بدون تحقیق و تفحص (همان: ۱۰۳۴)؛ بی‌تفاوتی پزشک و منشی او به مردی که زنش در مطب آن‌ها به سبب بی‌توجهی از دست رفت (همان: ۱۵۴۹)؛ تملک زمین‌های روستائیان و آواره شدن آن‌ها در اهواز، مانند تصاحب زمین‌های کل فیروز و کدخدا نریمان توسط شرکت کشت و صنعت دزفول (همان: ۱۱۵ و ۱۱۷)؛ ظلم ثروتمندان به دیگران، مانند برخورد مهندس دلاور در گرفتن ملک صمد صراف (همان: ۱۵۸۱)؛ ظلم مهندس دلاور به برادرش دکتر داور با تصاحب ارث خانوادگی‌شان (همان: ۱۴۳۳) و تخریب اموال عمومی در هرج و مرج اوایل انقلاب به دست عوام الناس (همان: ۱۷۴۲ و ۱۷۶۸). ستم حکومت شاهنشاهی به مردم از این گفتگو در داستان دریافت می‌شود: «خنده از لب نوذر رفت - «خود نویس قلابی! مملکت نیست که! همه جا غارت - دزدی! هیچ کس نیست به درد مردم برسه!» رو کرد به بلقیس - «از شاه تا وزیر» (همان: ۱۹۰). یا در جایی دیگر از زبان کندور آمده:

تو چطور میخوای از انسان این مملکت حرف بزنی اما از زندان و شکنجه و تیرباران حرف بزنی؟ از تنگدستی، تورم، فساد، گرانی، بیکاری، ارباب و ساواک حرف بزنی؟ از درگیری مسلحانه خیابانی، از کشت و کشتار و از تجاوز به زن و فرزند و خانه های مردم حرف بزنی؟ (همان: ۳۲۹).

۴.۱.۳ سیاسی

۱.۴.۱.۳ دمکراسی

در قولی از محمود آمده «تاریخ سیاسی - اجتماعی این مملکت را که نگاه میکنی می بینی که سیاست و استبداد به سرنوشت محتوم ما بدل شده است» (گلستان، ۱۳۸۳: ۴۴). او با مشاهده رفتار مستبدان در کشورداری و نقش آنان در عقب ماندگی کشور، به جایگاه حاکمان و سردمداران جامعه در ایجاد آرمان شهر پی برده است. در این راستا او معتقد به دمکراسی و حکومتی برخاسته از خرد جمعی و مخالف با استبداد است.

قرن هاست که ایران عرصه حاکمان خودکامه هست و دوره پهلوی هم از این قاعده مستثنی نیست. دستگیری، زندان، شکنجه، سرکوب، اعدام و... در این مقوله گنجانده می شود. «توصیفی که محمود از «زندان» در آثار خود ارائه می کند تا آن اندازه دقیق است که می توان گفت توصیفات محمود از این مکان در ادبیات داستانی ما یگانه و منحصر به فرد است» (آقائی، ۱۳۸۳: ۳۵۱). دستگیری کسبه، مانند دستگیری براتعلی عکاس (محمود، ۱۳۷۶: ۵۱)؛ دستگیری سی و دو نفر از دانش آموزان در کلاس درس (همان: ۴۰۷-۴۱۸)؛ سرکوب معترضان به دستگیری دانش آموزان (همان: ۴۲۰)؛ بی حرمتی به مردم و خانواده ها توسط ساواک و عوامل امنیتی (همان: ۴۷۰-۴۸۲)؛ دستگیری نوجوانان، مانند بازداشت باران و شهروز علی رغم سن کم شان (همان: ۴۰۲ و ۵۳۹)؛ ضرب و شتم کارگران شهرداری که برای حق و حقوق خود اعتصاب کرده بودند (همان: ۶۴۸)؛ سرکوب اعتراض مردم بخاطر گرانی و وضع اقتصادی و قطع آب و برق آنها (همان: ۶۵۳)؛ زندانی کردن روشن فکران، مانند بازداشت عطا و کندرو (همان: ۵۸۳ و ۹۰۰)؛ زندانی معترضین توسط حکومت، مانند دستگیری افراد بی گناهی همچون مبارک خیاط، سیف پور، حاج آقا عطار، حامد و... (همان: ۱۵۸۴)؛ اعدام دختران و پسران نوجوان مخالف حکومت توسط ساواک؛ قدغن کردن انجام مراسم ختم برای آنان و جلوگیری از ملاقات با خانواده های آنها، مانند سرنوشت مریم

آرمان‌شهر رئالیستی در رمان *مدار صفر درجه* ... (الیاس قادری و محمد آهی) ۱۹

دختر حاج شامرادی و شاپور پسر رحیم سدهی (همان: ۹۷۶ و ۱۴۰۹)؛ حکومت نظامی (همان: ۱۵۸۳)؛ مصادره اموال مردم در بانک توسط دولت (همان: ۱۶۰۹)؛ تیراندازی به زندانیان معترض (همان: ۱۶۶۰)؛ کشتار مردم قم (همان: ۱۲۹۹)؛ کشتار مردم در پانزده خرداد ۴۳ (همان: ۱۵۰۳)؛ شکنجه به شیوه وحشت‌ناک در زندان (همان: ۱۳۴۹)؛ کشتن و سرکوب دانشجویان توسط ساواک، مانند کشتن شاپور در کتابخانه دانشگاه اهواز (همان: ۲۹۶-۲۹۹ و ۱۳۶۸ و ۱۴۰۰)؛ تیرباران جوانان توسط حکومت، مانند تیرباران شیرو (همان: ۱۲۵۸)؛ کشتار دسته جمعی مردم توسط حکومت، مانند آتش زدن سینما رکس آبادان (همان: ۱۵۴۵)؛ کشتار مردم در تظاهرات (همان: ۱۷۲۹).

۲.۴.۱.۳ حاکمیت صلح در جامعه

نویسنده رمان *مدار صفر درجه* توجه خاصی به صلح و آرامش در جامعه دارد تا مردم در پناه آن با فراغ بال زندگی کنند. در حقیقت آرمان‌شهر واقع‌گرا بدون صلح و آرامش بی‌معنی است. محمود در جایگاه نقد، قیام و مبارزه را مواردی می‌داند که مانع تحقق این امر می‌شوند؛ مانند اعتصاب و ناخشنودی مدام کارگران شهرداری و دیگر شرکت‌ها بخاطر فقر و مسائل اقتصادی (همان: ۱۲۷-۱۲۸ و ۶۲۰)؛ تظاهرات مردم اهواز (همان: ۱۳۰۰ و ۱۵۲۷)؛ قیام و تظاهرات دیگر شهرها (همان: ۱۷۱۳-۱۷۱۶)؛ مبارزه مردم با حکومت، مانند مبارزه نوروژ با همکاری همسرش خاور (همان: ۱۱۹۶-۱۱۹۷)؛ اعتصاب هاستل-مدرسه شبانه روزی آبادان- و تظاهرات سال ۱۳۳۲ (همان: ۱۲۰۵)؛ قیام مردم قم (همان: ۱۲۹۹)؛ تظاهرات مردم آبادان بخاطر کشتار مردم قم (همان: همانجا).

۳.۴.۱.۳ نبود حاکمیت خارجی

از آنجا که محمود جنوبی هست و خوزستان مرکز استعمار در ایران بوده، از نزدیک طعم تلخ وجود استعمار را حس کرده است. او خواهان اخراج آن‌ها از کشور است و تأکید بر توانایی‌های حکومت دمکراسی داخلی دارد؛ بنابراین او آرمان‌شهر رئالیستی خود را در گرو حکومتی داخلی و برخاسته از خرد جمعی و به دور از نفوذ استعمار می‌داند. «جنوب همواره دروازه بیگانگان و استعمارگران به ایران بوده. یکی از دغدغه‌های احمد محمود، بزرگ‌ترین نویسنده اقلیمی جنوب، حضور بیگانگان و استعمارگران در این ناحیه است که او را وادار به اعتراض و عکس‌العمل می‌کند» (شیری، ۱۳۸۷: ۱۷۳). استعمار در بیشتر

داستان‌های احمد محمود - بویژه *ملار صفر درجه* - همان بریتانیا است (احمدی و دارابی، ۱۳۹۸: ۳۱۸). محمود سبب آن همه نابسامانی اوضاع خوزستان و کشور را حاصل سیاست‌های منفعت‌طلبانه استعمار انگلیس و نفوذ آنان می‌داند. مهاجرت کل فیروز از دزفول به اهواز و تصرف زمین‌های او توسط شرکت کشت و صنعت بیان‌گر مهاجرتی اجباری است که استعمار جدید بر روستائیان ایران تحمیل کرده است (آقائی، ۱۳۸۳: ۲۴۹). «تقصیر انگلیس هست» (محمود ۱۳۷۶: ۲۷ و ۴۱ و ۴۲...) جمله‌ای معروف و تکراری از نوذر در *رمان*، نشانگر نقش زیاد استعمارگری این کشور در ایران است. غارت منابع زیرزمینی ایران طی چند دهه گذشته توسط انگلیس بر کسی پوشیده نیست. البته شوروی و امریکا نیز جز کشورهای استعمارگر مورد نظر محمود هستند که مردم از آن‌ها نفرت دارند.

۵.۱.۳ فرهنگی

۱.۵.۱.۳ جامعه علمی و منطقی

محمود طبق بینش روشن و آگاه خود به جامعه‌ای برپایه علم و منطق معتقد است. چراکه باور دارد جامعه آرمان‌شهر رئالیستی فقط برپایه علم و حقیقت شکل می‌گیرد. بر همین اساس برای نشان دادن خرافات، دیدگاه‌های سنتی و عوامل نامعقول، از زبان طنز و کنایه استفاده می‌کند. خرافات و باورهای عامیانه جزء لاینفک زندگی اقلیم‌های سنتی و قومی - قبیله‌ای و از ویژگی‌های بارز داستان‌های جنوب است (شیری، ۱۳۸۷: ۲۰۱). محمود به طور ضمنی خرافات را مایه استحمار و بردگی و فلاکت و بدبختی می‌داند (احمدی و دارابی، ۱۳۹۸: ۳۱۹). از جمله خرافات، اعتقاد به دعا نویسی و حرز، مانند دعا نویسی ملاشکبوس برای بچه‌دار شدن بلقیس (محمود، ۱۳۷۶: ۸۵)؛ تقاضای ملاشکبوس از خاور به این منظور که برای آزادی باران از زندان باید دعا نوشت (همان: ۵۵۶)؛ عقیده به تعویذ و قضا و قدر در جهت پیش بردن کارها (همان: ۷۷۹)؛ دیدگاه سنتی مردم راجع به بچه‌دار نشدن نوذر و کور بودن اجاق خانواده او (همان: ۹۱-۹۲)؛ توجه به باورهای سنتی در مورد عقد پسر عمو و دختر عمو که در آسمان‌ها بسته شده و اصرار به باران و آراسته در جهت انجام چنین ازدواجی (همان: ۸۶۸)؛ عقیده به رمال و پیش‌گو، مانند مراجعه شادیه و نوذر به میرعبده شاه برای یافتن شهاب که مدتی ناپدید شده بود (همان: ۹۲۴)؛ عقیده سنتی خانواده‌ها به عدم ازدواج مجدد افراد مسن، مانند مخالفت دختر دوشنبه با ازدواج او بعد از

آرمان‌شهر رئالیستی در رمان *مدار صفر* درجه ... (الیاس قادری و محمد آهی) ۲۱

مرگ مادرش (همان: ۱۱۲۴)؛ داشتن عقاید خرافاتی؛ مثلاً بلقیس باور داشت ماهی بوش لمبو شگون ندارد و سبب زندانی شدن باران شد (همان: ۱۳۹۱) یا عقیده خاور به بدیمن بودن جوجه‌های کل فیروز (همان: ۱۳۹۳).

۲.۵.۱.۳ حاکمیت صداقت

به عقیده محمود، عمل کرد صادقانه مردم و مسئولان در یک جامعه، آن‌ها را هرچه بیشتر به آرمان‌شهر نزدیک می‌کند. او این رفتار را هم در زندگی شخصی تجربه کرده و هم به صورت ملموس در آثارش انعکاس داده است. عمدتاً فریب از جمله مواردی است که در اقلیم‌های دچار فقر رواج دارد؛ مانند دروغ‌های شیرین و اغراق آمیز نوذر برای خودنمایی (همان: ۱۸۸)؛ حقه‌بازی برزو برای تصرف ملک پدری (همان: ۶۷۶-۶۸۶)؛ سوء استفاده مبارک از دوستش صدرا و تقاضای ماهیانه پول از او (همان: ۵۱۱-۵۱۲ و ۱۰۲۱)؛ عدم تطابق حرف و عمل شخصیت‌ها، مانند رفتار و عملکرد ملاشکبوس با دیگران (همان: ۷۹۵)؛ نیرنگ‌های میرعبده‌شاه در پیش‌گویی (همان: ۹۵۰-۹۵۲)؛ برخورد فریب‌کارانه شهروز با جیمی در شراکت کاری (همان: ۱۰۵۹)؛ نیرنگ مهندس دلاور در حق صمد صراف و گرفتن ملک او (همان: ۱۲۶۱)؛ نیرنگ حاکمان و مسئولان در جریان آتش زدن سینما رکس آبادان و اسید پاشیدن به صورت زنان تا این حرکات را به گردن مذهبیان بیندازند و ذهن مردم را منحرف کنند (همان: ۱۵۵۶-۱۵۱۹).

۳.۵.۱.۳ نبود فقر فرهنگی

مسئله دیگری که از نظر محمود پنهان نماند سطح فرهنگی جامعه است. او با مشاهده ضعف‌های فرهنگی در اجتماع اهواز، در پی ساختار جامعه‌ای آرمانی بدور از مسائل فقر فرهنگی است. مثلاً اکثر شخصیت‌های رمان به سیگار و مواد مخدر اعتیاد دارند؛ همچنین اسم گذاشتن روی یکدیگر از روی نقص و غرض جزء مقوله فقر فرهنگی محسوب می‌شود؛ مانند براتعلی تک‌لایت (بخاطر نابینا بودن از ناحیه یکی از چشمانش)؛ صدا زدن اوسا یارولی به اوسا چُسکی توسط نبی (همان: ۱۱۳۴)؛ اسعد گردن شق (همان: ۱۲۲۷)؛ جلال پاکوتاه (همان: ۱۲۴۲)؛ زری خال‌دار، افرا سیاه، عشقی کچل، عبدی توره (همان: ۱۱۸۳)؛ شهین زاغی (همان: ۱۲۲۹)؛ لطفی دماغ (همان: ۱۲۹۶)؛ نبی بی‌حال (همان: ۱۳۳۴)؛

حسن زاغی (همان: ۱۵۰۵)؛ جهان بی‌مخ و سلمان سیاه (همان: ۱۳۹۹). در پایان، حاصل بحث و بررسی را می‌توان در جدول زیر به نمایش گذاشت:

مؤلفه‌های اصلی	اجتماعی	اقتصادی	امنیتی	سیاسی	فرهنگی
مؤلفه‌های فرعی	*عدم نظام طبقاتی *مساوات *رعایت حقوق اجتماعی زنان *سلامت اجتماعی *عدم فساد	*رفاه نسبی *بهره‌مندی از منابع طبیعی *حاکمیت مدرنیته	*عدالت	*دمکراسی *حاکمیت صلح در جامعه *نبود حاکمیت خارجی	*جامعه علمی و منطقی *حاکمیت صداقت *نبود فقر فرهنگی

۴. نتیجه‌گیری

نگاه آرمانی به زندگی حاصل کمال‌طلبی و بازگشت به بهشتی است که در آن هیچ‌گونه رنج و سختی نباشد. براین اساس سه نوع آرمان‌شهر قابل تصور است: (۱) آرمان‌شهر الهی که مبنای آن تعالیم انبیاء و هدف آن رسیدن به قرب الهی است. (۲) آرمان‌شهر فلسفی که مبنای آن عقل‌گرایی و هدف آن رسیدن به جامعه عقلانی است. (۳) آرمان‌شهر رئالیستی که مبنای آن فلسفه تجربی و هدف آن حاکمیت علمی است. در این نگاه، انگیزه آرمان‌شهری از سبک ایده‌آلی حالتی واقعی گرایانه به خود می‌گیرد. احمد محمود از جمله نویسندگانی هست که به این آرمان‌شهر توجه کرده و آن را برای بشر قابل دسترس می‌داند. او در آثارش با دیدی انتقادی به جامعه خود می‌نگرد که در پس این نقد به دنبال شکل‌گیری جامعه‌ای آرمانی است. در حقیقت او در آثارش - بویژه رمان *مدار صفر درجه* - به دنبال جامعه‌ای است که در آن هیچ‌گونه مقوله ناپسند همچون ظلم، پلیدی، جنگ، خونریزی و خشونت وجود نداشته باشد. براین اساس آرمان‌شهری واقع‌گرایانه می‌خواهد که دارای ویژگی‌های منحصر به خود است. این ویژگی‌ها را به ترتیب اولویت و تأثیر در ساختار آرمان‌شهر محمود می‌توان ذیل پنج عنوان کلی بدین شکل تقسیم‌بندی کرد: (۱) اجتماعی؛ محمود در این طبقه به مسائل مشهود عدم نظام طبقاتی، مساوات، رعایت حقوق اجتماعی زنان، سلامت اجتماعی و عدم فساد توجه کرده است. (۲) اقتصادی؛ در این بخش به مسائلی

همچون رفاه نسبی جامعه، بهره‌مندی همه از منابع طبیعی و حاکمیت مدرنیته توجه دارد. (۳) امنیتی؛ در این بخش مهم‌ترین مؤلفه آرمان‌شهر رئالیستی محمود یعنی وجود عنصر عدالت در جامعه جای گرفته است. (۴) سیاسی؛ در این طبقه، عناصری مانند دموکراسی، حاکمیت صلح در جامعه و نبود حاکمیت خارجی مورد توجه آرمان‌شهر محمود است. (۵) فرهنگی؛ در این طبقه احمد محمود به جامعه‌ای برپایه علم و منطق، حاکمیت صداقت و نبود فقر فرهنگی می‌پردازد. در حقیقت با توجه به این نوع آرمان‌شهر، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که دنیای آرمان‌شهری محمود دنیایی وهمی و تخیلی و یا آرمان‌شهری که دور از دسترس باشد؛ نیست. بلکه بشر می‌تواند با کاربست اندیشه و بکارگیری علم تجربی به آرمان‌شهر رئالیستی که خواسته و آرزوی همه انسان‌ها است؛ دست یابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این اصطلاح در داستان‌نویسی از بر ساخته‌های محمدعلی سپانلو است (رک. سپانلو، ۱۳۵۸).
۲. برای اطلاعات بیشتر در مورد آرمان‌شهر تحقیقی افلاطون رجوع کنید به (راسل، ۱۳۴۰: ۱۰۵).

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- آقائی، احمد (۱۳۸۳). بیدار دلان در آینه (معرفی و نقد آثار احمد محمود)، تهران: به‌نگار.
- احمدی، علی‌اکبر و دارابی، سهیلا (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی اندیشه پسا استعمار در رمان *ذاکره الجسد احلام مستغانمی* و همسایه‌ها احمد محمود»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۴، شماره ۲، صص ۳۰۷-۳۳۴.
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱). آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، تهران: نشر نی.
- افلاطون (۱۳۵۳). جمهوری، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: چاپخانه خوشه.
- الیاده، میرچاه (۱۳۸۲). اسطوره، رؤیا، راز، ترجمه رؤیا منجم، تهران: علم.
- پرهام، سیروس (دکتر میترا) (۱۳۵۳). رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، تهران: نیل.
- پویان، مجید (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه زنان در داستان‌های کوتاه احمد محمود»، مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پیاپی ۲۵، صص ۳۹-۵۸.

توکلی مقدم، صفیه؛ کوپا، فاطمه و گرجی، مصطفی (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل زمان روایی در رمان «مدار صفر درجه» براساس نظریه ژنت»، متن پژوهی ادبی، دوره ۲۴، شماره ۸۶، صص ۸۱-۱۰۱.

ثروت، منصور (۱۳۸۵). آشنایی با مکتب‌های ادبی، تهران: سخن.
حاجی آقابایی، محمدرضا و محمدی، غزاله (۱۴۰۰). «بررسی گونه و محتوای داستان‌های سوسیالیستی در نشریات حزب توده ایران»، ادبیات پارسی معاصر، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۵۵.

حجازی، بهجت‌السادات و قطبی‌نژاد، حکیمه (۱۳۹۴). «آرمان‌شهر در رمان بیوتن رضا امیرخانی»، مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادبیات فارسی، صص ۵۷۱-۵۸۳.
حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۹۸). تحلیل سبک‌شناسانه رمان‌های برجسته با تکیه بر رمان‌های احمد محمود و محمدرضا بایرامی، تهران: سوره مهر.

حدادی، الهام؛ داودی مقدم، فریده و گرجی، مصطفی (۱۳۹۱). «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه برپایه الگوی تحلیلی گفتمان فرکلاف»، نقد ادبی، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۲۵-۴۹.

حیدری، محمود و زارع، صمیه (۱۳۹۲). «آرمان‌شهر در اندیشه فروغ فرخزاد و نازک الملائکه»، نشریه ادبیات تطبیقی، سال ۴، شماره ۸، صص ۵۷-۸۸.
خاتمی، احمد و تقوی، علی (۱۳۸۵). «مبانی و ساختار رئالیسم در ادبیات داستانی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره ۴، شماره ۶، صص ۹۹-۱۱۱.

دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۳). «مدار صفر درجه»، ادبیات داستانی، شماره ۲۰، صص ۳۸-۴۵.
دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۸). نقد آثار احمد محمود، تهران: معین.
راسل، برتراند. (۱۳۴۰). تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

رحیمی، رضا (۱۳۹۲). «نقد جامعه‌شناختی رمان مدار صفر درجه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.

روویون، فردریک (۱۳۸۵). آرمان‌شهر در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر نی.
زرشناس، شهریار (۱۳۸۸). جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر، چ ۲، تهران: کانون اندیشه جوان.

زرشناس، شهریار (۱۳۸۹). پیش‌درآمدی بر رویکردها و مکتب‌های ادبی، چ ۲، چ ۲، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

آرمان‌شهر رئالیستی در رمان *مدار صفر* درجه ... (الیاس قادری و محمد آهی) ۲۵

سپانلو، محمدعلی (۱۳۵۸). «گزارش یکساله داستان نویسی ایران»، مجله اندیشه آزاد، شماره ۱، صص ۴۴.

سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۷). در جستجوی واقعیت، تهران: نگاه.

سیدحسینی، رضا (۱۳۸۹). مکتب‌های ادبی، ج ۱، چ ۱۶، تهران: موسسه انتشارات نگاه.

شیری، قهرمان (۱۳۸۷). مکتب‌های داستان نویسی در ایران، تهران: چشمه.

صادقی، اسماعیل؛ موسوی، سید کاظم و آقاخانی بیژنی، محمود (۱۳۹۳). «بررسی نوستالژی آرمان‌شهر در اشعار شاعران معاصر»، پژوهشنامه ادب غنایی، سال ۱۲، شماره ۲۲، صص ۱۸۹-۲۰۸.

فارابی، ابونصر محمد (۱۳۵۸). سیاست نامه، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: انجمن فلسفه ایران. قاسم‌زاده، محمد (۱۳۸۳). داستان نویسان معاصر ایران، تهران: هیرمند.

کریمی مطهر، جان‌الله و رضایی، مجید (۱۳۹۳). «آرمان‌شهر در رمان ما، اثر یوگنی زامیاتین»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۴، شماره ۳، پیاپی ۳۲، صص ۱۰۱-۱۱۲.

کریمی، فاطمه و طاهری، محمد (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی اندیشه‌های آرمان‌شهر در اشعار نیما یوشیج و والت ویتمن»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۳، شماره ۲، صص ۵۱۴-۵۳۹. کلوندی، پریسا (۱۳۹۷). «بررسی عناصر اقلیمی در آثار احمد محمود (مدار صفر درجه)»، تهران: اولین کنفرانس تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات.

گرانت، دیمیان (۱۳۸۷). رئالیسم، ترجمه حسن افشار، چ ۵، تهران: نشر مرکز.

گلستان، لیلی (۱۳۸۳). حکایت حال (گفتگو با احمد محمود)، تهران: معین.

لاج، دیوید و همکاران (۱۳۸۶). نظریه‌های رمان، ترجمه حسین پاینده، تهران: نیلوفر.

لوکاج، گئورگ. (۱۳۷۳). پژوهشی در رئالیسم اروپایی، ترجمه اکبر افسری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. ج ۱۱. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمود، احمد (۱۳۷۶). مدار صفر درجه، تهران: معین.

مشرقی، فهیمه (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل عنصر شخصیت در رمان مدار صفر درجه احمد محمود»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.

مطلبی، مسعود و نادری، محمدمهدی (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی مفهوم آرمان‌شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب»، مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۲۵-۱۴۶.

مور، تامس (۱۳۸۷). آرمان‌شهر (یوتوپیا)، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشار نادری، ج ۳، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

میرصادقی، جمال و میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۷۷). واژه نامه ادبیات داستانی، تهران: کتاب مهناز.

میرصادقی، جمال (۱۳۹۴). ادبیات داستانی، ج ۷، تهران: سخن.

میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). صد سال داستان نویسی در ایران، ج ۱ و ۲، تهران: چشمه.

نعمتی، فاروق (۱۳۹۱). «در جستجوی ناکجا آباد (بررسی تطبیقی آرمان‌شهر در شعر جبران خلیل جبران و سهراب سپهری)»، زبان و ادبیات فارسی، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۱۵۱-۱۷۲.

Ambrams, M .H. (1988). *A Glossary of Literary Terms*, 5th Edition, San Francisco: Holt, Rinehart and Winston, Inc.

Anthony, C. (2017). "The Idea of A Realistic Utopia", *Dissertation phd*, University of Pennsylvania, Supervisor of Dissertation: Kok-Chor Tan.

Davidson, J. P. (2021). "Looking laterally: The literary utopia and the task of critical social theory", *Current Sociology*, Vol. 69, No. 7, Pp. 1069-1084.

Zarnigor, S. (2019). "The Realistic Genre and its Development in World Literature", *International Journal of Recent Technology and Engineering (IJRTE)*, Vol. 8, pp. 189-192.